بررسی چالش‌های تخصیص منابع مالی به ایده‌های نوآورانه: ارائه یک چارچوب سیاستی

روح الله ابوجعفری (هیات علمی پژوهشکده مطالعات فناوری)

محمدصادق صارمی(هیات علمی پژوهشکده مطالعات فناوری)

چکیده:

ایده‌های نوآورانه به عنوان منبع اصلی توسعه کالاها و خدمات جدید در اقتصاد از اهمیت بالایی برخوردار هستند. به واسطه ویژگی‌های خاص ایده‌های نوآورانه از قبیل ریسک بالا، فضای ابهام کارشناسی، عدم وجود دارائیهای ملموس در مرحله اول و عدم تقارن اطلاعات، تامین مالی این فعالیتها با مسائل و چالش‌های زیادی روبروست. از این رو این مقاله به بررسی نظام‌مند چالش‌های تامین مالی ایده‌های نوآورانه در ایران و در نهایت ارائه یک چارچوب سیاستی برای حل این چالش‌ها می‌پردازد. برای این کار با استفاده از ادبیات نظری و مصاحبه با خبرگان و بازیگران عرصه تامین مالی، چالشها و راهکارهایی احصاء شده و مبتنی بر روش نظریه پردازی داده بنیاد نظام‌مند سعی شده مقوله محوری‌های محوری استخراج گردند. از مهمترین نتایج بدست آمده می‌توان از فقدان پول صبور و هوشمند در ایران نام برد که برای حل چالش تامین مالی ایده مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت راهبردهایی برای آن ارائه شده است.

کلمات کلیدی: ایده‌های نوآورانه، تامین مالی، اقتصاد اطلاعات، پول هوشمند، پول صبور، نظریه پردازی داده بنیاد

۱- مقدمه بیان مساله

رشد اقتصادی همواره به عنوان یکی از اولویت‌های برنامه‌های اقتصادی کشورهای مختلف مطرح بوده است[۱]. در این راستا مطالعات مختلفی به منظور شناسایی عوامل تاثیرگذار بر رشد اقتصادی کشورهای انجام شده‌اند. با این حال در طی سال‌های اخیر توسعه کارآفرینی و خلق نوآوری به عنوان یکی از مهمترین موتورهای رشد اقتصادی مطرح شدند[۲, ۳]. اهمیت این موضوع در حدی است که تمرکز ویژه‌ای بر حمایت از توسعه نوآوری و کارآفرینی و به ویژه گسترش شرکت‌های نوآور جوان[1] صورت گرفته است [۴]. خلق نوآوری و توسعه کارآفرینی همانند هر فعالیت اقتصادی دیگر مستلزم دسترسی به منابع مالی است[۵, ۶]. بنابراین، تامین منابع مالی به میزان مورد نیاز، با روشی مناسب و در زمانی اثربخش، برای فعالیت و رشد بنگاه‌های نوپا و نوآور، اهمیت فراوانی دارد[۷] و به نوعی شرط موثر بودن این عوامل در رشد اقتصادی کشورها است[۱]. در این میان ضعف دسترسی به منابع مالی همواره

[1] young innovative firms

به عنوان یک مانع مهم در رشد کسب‌وکارهای نوآورانه و شرکت‌های نوپا مطرح است به گونه‌ای که در منابع مختلف به این موضوع اشاره شده است[۴, ۸-۱۰].

با وجود اینکه شواهد حاکی از آن است که نرخ نوآوری در کسب‌وکارهای نوپا بالاتر از کسب‌وکارهای موجود است، با این حال محدودیت دسترسی به منابع باعث شده است که این کسب‌وکارها با نرخ شکست بالایی همراه باشند[۱۱] این موضوع به خوبی اهمیت بحث تامین مالی برای کسب‌وکارهای نوپا و کارآفرین‌های دارای ایده‌های نو را نشان می‌دهد. شایان ذکر است که ویژگی‌های خاص این دسته از کسب‌وکارهای نوپا باعث شده است که ماهیت تامین مالی آن‌ها متفاوت با تامین مالی دیگر کسب‌وکارها باشد [۵] و همین مساله منجر به بروز مشکلات متعدد در زمینه تامین مالی کسب‌وکارهای نوآورانه می‌گردد[۱۲, ۱۳] از جمله این تفاوت‌ها می‌توان به ریسک بالاتر سرمایه‌گذاری در این کسب‌وکارهای نوآورانه در مقایسه با دیگر کسب‌وکارها اشاره کرد. در این میان کشورهای توسعه یافته مانند رژیم اشغالگر قدس، آمریکا، آلمان، کره‌جنوبی، ضمن شناسایی موانع تامین مالی کسب‌وکارهای نوآورانه، با ارائه برنامه‌ها و سیاست‌های مناسب سعی کردند که این مساله را تا حدی رفع کنند. بررسیهای نشان می‌دهد برنامه‌های مختلف همراه با مسائل مدیریتی، خردمایه‌های سیاستی متفاوت بستگی به مرحله توسعه بنگاه‌ها نیز دارد[۱۴].

در ایران نیز همانند بسیاری از کشورهای جهان، دستیابی به منابع مالی یکی از چالش‌های اصلی کسب‌وکارهای نوآورانه و نوپا است. در این راستا با توجه به نتیجه گزارش رقابت‌پذیری جهانی در سال ۲۰۱۹، از نظر فعالان بخش خصوصی، بزرگترین مشکل اصلی کسب‌وکارها در ایران (که کسب‌وکارهای نوآورانه نیز جزء آن‌ها هستند) دسترسی به منابع تامین مالی است[۱][۱۵]. این موضوع زمانی اهمیت می‌یابد که متوجه می‌شویم که کسب‌وکارهای نوآورانه و کارآفرینان نوپا زمان و انرژی زیادی را صرف گردآوری منابع مالی برای رشد کسب‌وکارشان می‌کنند. به همین خاطر فقدان منابع مالی کافی برای انجام فعالیت‌های کارآفرینی به عنوان یکی از مهمترین دلایل عدم بروز رفتارهای کارآفرینانه در کشور است[۱۶]. علاوه بر این براساس گزارش فصلی پایش محیط کسب و کار ایران که توسط مرکز پژوهش‌های اتاق ایران درتابستان ۱۳۹۹ منتشر شده است، دشواری تامین مالی، یکی از نامساعدترین مولفه‌های محیط کسب و کار ا یران شناخته شده است[۱۷].

مطالب مطرح شده به خوبی اهمیت بحث تامین مالی کسب‌وکارهای نوآورانه و نوپا را نشان می‌دهد. در این راستا نیز مطالعات متعددی انجام شده‌اند، با این حال بررسی دقیق ادبیات این حوزه حاکی از ان است که در درجه اول بیشتر مطالعات انجام شده متمرکز بر بافت کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه‌ای هستند که شرایط متفاوتی با ایران دارند. از جمله این تفاوت‌ها می‌توان به موارد مانند اقتصاد دولتی و وابسته به نفت، بی‌ثباتی سیاسی و تحریم که ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد، ضعف نظام حفاظت از مالکیت دارایی فکری[۱۵][۲]، سطح پایین جذب سرمایه‌گذاری خارجی[۱۸]، بازار انحصاری و با رقابت کم[۱۹] اشاره کرد. از طرف دیگر در

[۱] در شاخص تامین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط رتبه ۱۲۶ و در شاخص دسترسی به سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر رتبه ۱۲۱ را دارد.

[۲] کسب رتبه ۱۳۶ در گزارش رقابت‌پذیری جهانی در شاخص حفاظت از دارایی فکری

داخل کشور بیشتر مطالعات به صورت عام متمرکز بر تامین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط و دانش‌بنیان بوده‌اند و به صورت خاص مطالعه‌ای در زمینه موانع تامین مالی کسب‌وکارهای نوآورانه و نوپا انجام نشده است[۲۰, ۲۱]. رابطه بین نظام نوآوری و نظام تامین مالی نیازمند توسعه یک چارچوب مفهومی است که کارکردهای هر کدام از این نظامها بررسی شده و ارتباط بین سیستمی مورد بررسی قرار گیرد.[۴۰] ضمن اینکه معدود مطالعات داخلی از جمله مطالعه کریمی و بوذرجمهری (۱۳۹۲) مربوط به بیش از ۸ سال گذشته هستند که قاعدتاً بخشی از نتایج آن‌ها قابل استفاده برای شرایط کشور بروز نیست. از این رو پژوهش حاضر به دنبال شناسایی مهمترین موانع تامین مالی فعالیتهای نوآورانه و استخراج اصول کلی برای راهبردهای سیاستی توسعه نظام مالی ایده‌های نوآورانه در ایران است.

۲- مروری مبانی نظری و پیشینه تحقیق

تأمین مالی به معنای تأمین سرمایه مورد نیاز کسب‌وکارها، مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران به منظور دستیابی آنها به اهداف خود است. در واقع هدف تأمین مالی، سرمایه‌گذاری، سودآوری، کاهش ریسک و برطرف کردن نیازهای اقتصادی و اجتماعی کسب‌وکار است [۲۲]. با این حال فعالیتهای نوآورانه دارای ویژگیهایی است که باعث می‌شود از سرمایه گذاریهای معمولی متفاوت باشد. اول و مهمتر از همه اینکه در عمل بیش از ۵۰ درصد هزینه‌های این نوع سرمایه‌گذاریها مربوط به دستمزد و حقوق دانشمندان و مهندسانی می‌شود که در نهایت تلاش آنها باعث ایجاد داراییهای نامشهود، دانش ضمنی بنگاه خواهد شد که در آینده منجر به ایجاد کالا و یا خدمات جدید و موفقیت آتی بنگاهها خواهد گردید. این موضوع باعث می‌شود تا ریسک سرمایه‌گذاری در این موضوعات بالا باشد به علت اینکه به محض خروج نیروی انسانی از بنگاه هزینه‌های صرف شده برای آنها نیز خارج می‌شود و بنگاه برای پیشبرد اهداف نوآورانه خود با مشکل روبرو خواهد شد. این مسئله که از آن با عنوان هزینه تعدیل یاد می شود باعث خواهد شد نرخ بازده مورد انتظار در فعالیتهای نوآورانه از سرمایه گذاریهای معمولی بیشتر باشد[۲۳]. به بیان ساده با توجه به اینکه هیچ تصویر روشنی از آینده یک نوآوری یا فعالیت یک کسب‌وکار نوپا وجود ندارد بنابراین، کاملاً طبیعی است که صاحبان سرمایه تمایلی به سرمایه‌گذاری بر روی این دسته از بنگاه‌هاو فعالیت‌ها نداشته باشند[۶].

از طرف دیگر این دسته از بنگاه‌ها به واسطه نداشتن سابقه یا سابقه کوتاه فعالیت خود، مستندات و صورت‌های مالی قابل استنادی ندارند، از جهت فنی نیز با ریسک بالایی مواجه هستند و دارایی آن‌ها عمدتاً از نوع دارایی‌های ناملموس است. لذا سرمایه‌گذاری در اینگونه فعالیت‌ها و بنگاه‌ها با عدم قطعیت و ریسک بالایی همراه است [۲۴] . این بنگاه‌های نوآور اغلب در شرایطی به سر نمی‌برند که توانایی ارائه ضمانت‌های ضمنی و آشکار را در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دهند. ضمانتهای ضمنی یعنی این بنگاه‌ها نمی‌توانند جریان نقدی مثبت مطمئنی برای این که درآمد را قابل وثیقه قرار دهند ایجاد کنند[1]. از طرف دیگر چون این بنگاه‌ها از منابع غیرمادی[2] استفاده می‌کنند

[1] pledgeable income
[2] immaterial

(پتنت، حق کپی‌رایت و ..)، توانایی ارائه ضمانت آشکار را نیز ندارند. در مجموع همه موارد مذکور باعث تحمیل ریسک بیشتری بر سرمایه‌گذاران بالقوه خواهد شد. در مجموع می‌توان گفت که ویژگی‌های خاص بنگاههای نوآور شرایطی را برای شکست بازار به وجود می‌آورد. به علت ناهمزمانی بین نهادهای مالی و پروژه‌های نوآورانه شکاف تامین مالی برای این طرحها وجود دارد. با توجه به اهمیت پروژه‌های نوآورانه در توسعه اقتصادی برنامه‌های مختلفی برای پر کردن این شکاف طراحی و اجرا می‌شود [۲۵]. حیدری و محمدی (۱۳۹۶) با استفاده از چارچوب نظریه کارگزاری در قراردادهای سرمایه گذاری ریسک پذیر نشان می دهند که در هر مرحله رشد اقتضائات سرمایه گذاری ریسک پذیر متفاوت خواهد بود. مثلا ضعف در قوانین مالکیت فکری موجب می شود کارآفرینان نسبت به بیان جزئیات طرح خود دچار ترس از دزدیده شدن ایده باشند، همچنین عدم وجود مفاد تخصصی قانون تجارت باعث می شود سرمایه گذاران راهکارهای کنترلی بیشتری را برای حفظ حقوق خود مثال در مورد سهام ممتاز و شرایط سهامداری تعریف نمایند. آنها معتقدند با شناسایی چالش های تعامل میان سرمایه گذار و کارآفرین در هریک از مراحل رشد و ابزارهایی که می توانند مانع بروز یا باعث کاهش اثر این چالش ها در هرمرحله باشند، می توان به موفقیت در تعامل پیش از انعقاد قرارداد و پس از آن امیدوار بوده و شکست کسب وکار به علت شکست در شراکت کارآفرین و سرمایه گذار را به حداقل رساند.[۳۹]

در مواردی که صرفاً از ابزارهای تامین مالی سنتی استفاده می‌شود شدت است شکست بیشتر است. این موضوع را خانم هال (۲۰۰۲) با عنوان بازار گمشده برای تامین مالی مطرح می‌کند[۲۶] که در صورتی که این مساله به درستی حل نشود، شاهد کمبود سرمایه‌گذاری در طرح‌های نوآورانه خواهیم بود[۲۷]. تداوم این روند منجر به کاهش رقابت‌پذیری در فضای کسب‌وکار و عدم دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی می‌گردد.

۱-۱ منابع تامین مالی قابل تخصیص به ایده‌های نوآورانه

در ادبیات تأمین مالی نوآوری، مطالعات متعددی به موضوع تأمین مالی شرکت‌های نوپا و منابع تأمین منابع مالی مورد نیاز این دسته از شرکت‌ها پرداخته‌اند و دسته‌بندی‌های مختلفی در مورد منابع تأمین مالی این شرکت‌ها ارائه شده‌اند.

در پژوهشی که آقایان اسلامی و بیگدلو (۱۳۸۴) منابع تامین مالی کارآفرینان را به چهار دسته کلی تقسیم کردند که عبارتند از: منابع خصوصی تامین مالی[۱] ، تامین مالی از طریق بدهی یا استقراض[۲]، تامین مالی از طریق سرمایه[۳] و روش‌های داخلی تامین مالی[۴] [۲۸].

قاضی نوری و همکاران (۱۳۹۶)، ۶ دسته ابزار تامین مالی را معرفی کرده‌اند که عبارتند از: تامین مالی مبتنی بر بدهی (بنگاه براساس ارزش ناشی از دارایی‌های خاص نظیر حساب‌های دریافتنی، موجودی، ماشین‌آات و تجهیزات

۱- Private Source of Financing

۲ - Debt Financing

۳ - Equity Financing

۴ - Internal Methods of Financing

و نه براساس پیشینه اعتباری خودبه سرمایه در گردش و وام‌های مدت‌دار دست می‌یابد)، تامین مالی مبتنی بر مداخلات دولتی (کمک‌های دولتی مانند یارانه و کمک بلاعوض)، تامین مالی مبتنی بر دارایی، تامین مالی مبتنی بر بدهی جایگزین (تامین مالی بنگاه به جای بانک توسط سرمایه‌گذاران بازار سرمایه انجام می‌شود از جمله اوراق قرضه شرکتی، تامین مالی جمعی مبتنی بر بدهی)، ابزارهای ترکیبی تامین مالی و تامین مالی مبتنی بر حقوق صاحبان سهام (به همه منابع مالی اشاره دارد که در عوض بهره مالکیت به بنگاه ارائه می‌شود)[۲۹].

در پژوهشی دیگر منابع تامین مالی را به توجه به عمر بنگاه‌ها ذکر شدندکه عبارتند از:تامین مالی خارج از ترازنامه، سهام و گرنت‌های دولتی، سرمایه‌گذاری خطرپذیر، پس‌اندازهای شخصی، خانواده و دوستان، وام‌های بانکی کوتاه‌مدت، وام بلندمدت، سود تسهیم نشده، فرشتگان کسب‌وکار و سرمایه‌گذاران خصوصی[۳۰].

در نهایت نیز سلطانی و شاوردی (۱۳۹۸)، منابع تامین مالی بنگاه‌های کارآفرین را به دو دسته منابع درونی و منابع بیرونی تقسیم کردند. منابع درونی عبارتند از منابع شخصی کارآفرین، خانواده و دوستان، سود انباشته. در مقابل منابع بیرونی عبارتند از: فرشتگان سرمایه‌گذار، سرمایه‌گذاری خطرپذیر، صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر دولتی-منطقه‌ای، تامین مالی جمعی، تامین مالی میانی، منابع بانکی (استقراضی)، اعتبار تجاری، طرح‌های لیزینگ، اجاره و خرید، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بازار اوراق بهادار (بورس) و بازارهای خارج از بورس[۷].

با وجود تنوع مسیرهای تأمین مالی شرکت‌های نوپا باید توجه داشت که مسیرهای ذکر شده مستقل از یکدیگر هستند و با توجه به شرایط هر زیست‌بوم، امکان استفاده از چند مسیر برای تأمین مالی شرکت‌های نوپا وجود دارد. از آنجاکه شرکت‌های نوپا در هر یک از مراحل چرخه عمر خود ویژگی‌های متفاوتی از نظر سطح ریسک و بازدهی دارند، بنابراین روش تأمین مالی این شرکت‌ها در هر یک از مراحل چرخه عمر آن‌ها متفاوت است و هر مرحله از چرخه عمر، راهبردهای تأمین مالی ویژه خود را می‌طلبد. به عنوان مثال در مرحله پرورش ایده، لازم است تأمین مالی از طریق سرمایه شخصی کارآفرین و صاحب ایده تأمین شود. شرکت‌های نوپا در مراحل اولیه فعالیتشان، دارایی مشهودی در اختیار ندارند و فعالیت آن‌ها نیز با ریسک بالایی همراه است؛ بنابراین شانس بالایی برای جذب سرمایه بیرونی از بانک‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری ندارند. کارآفرین در این مرحله سعی می‌کند با استفاده از منابع مالی خود، ایده‌اش را تا حدی پرورش بدهد که قابل عرضه به سرمایه‌گذاران باشد [۳۱]

۱-۲ پیشینه

به صورت کلی مطالعات متعددی در زمینه تامین مالی نوآوری و چالش‌های مرتبط به آن انجام شده‌اند که در ادامه به برخی از مهمترین موارد اشاره شده است.

کارپنتایر و همکاران (۲۰۰۶) پژوهشی را در زمینه هزینه‌های تامین مالی بیرونی شرکت‌های جدید فناوری‌محور در کانادا انجام دادند. آن‌ها مطابق با ادبیات محدودیت‌های متعددی که این دسته از شرکت‌های برای دستیابی به سرمایه‌گذاری بیرونی با آن‌ها روبرو هستند را معرفی کردند. در این میان اشاره شده است که عواملی مانند عدم تقارن اطلاعات، عدم اطمینان نسبت به نتیجه فعالیت شرکت جدید فناوری‌محور و همچنین محدودیت دارایی‌های

این دسته از شرکت‌ها از جمله مهمترین دلایل محدودیت دسترسی این دسته از شرکت‌ها به منابع مالی بیرونی هستند[۳۲].

پاسومارتی و پاتنایک (۲۰۲۰) پژوهشی را تحت عنوان "چالش‌های دستیابی به منابع مالی برای شرکت‌های کوچک و متوسط نوپا" انجام دادند. آنها در پژوهش خود به دنبال تلاش برای شناسایی مشکلات مختلف استارتاپ‌ها در طول فعالیت‌شان است. در این راستا مشخص شد که استارتاپ‌ها در طول فرآیند رشد و توسعه خود با مشکلات متعددی روبرو می‌شوند اما این مشکلات مربوط به مراحل اولیه فعالیت آن‌ها نمی‌شود. در این میان مشخص گردید که برخی از مشکلات با برنامه‌ریزی درست استارتاپ‌ها رفع می‌شوند و برخی از آن‌ها نیازمند مداخله مستقیم دولت هستند.با این حال نتایج بررسی مشخص کرد که یکی از مهمترین مشکلات این دسته از شرکت‌های نوپا، عدم دسترسی به منابع است [۳۳].

پاسومارتی و پاتنایک (۲۰۲۰) پژوهش دیگری را تحت عنوان "چالش‌های تامین مالی شرکت‌های نوپا از طریق بانک‌ها" انجام دادند. آنها در طی بررسی خود عنوان کردند با وجود اینکه استارتاپ‌ها به منابع مالی متعددی دسترسی دارند اما وام‌های بانکی به‌عنوان یکی از منابع مهم در زمینه تامین مالی استارتاپ‌ها است و به همین خاطر در ادامه تلاش خود را بر شناسایی چالش‌های تامین مالی استارتاپ‌ها از طریق بانک‌ها متمرکز کردند. دو مورد از مهمترین چالش‌ها در زمینه تامین مالی از طریق بانک‌ها عبارتند از: فقدان وثیقه و ضمانت بانکی برای دریافت وام از بانک‌ها، در واقع استارتاپ‌ها با توجه به اینکه نوپا هستند و منابع کافی در اختیار ندارند بنابراین قادر نیستند که در ازای دریافت وام از بانک‌ها، ضمانت‌نامه و وثیقه ارائه بدهند. از طرف دیگر یکی از ویژگی‌های مهم استارتاپ‌ها انعطاف‌پذیری و چابکی بالای آن‌ها است با این حال، رویه اداری طولانی، کُند و خسته‌کننده بانک‌ها برای ارائه وام با این ویژگی چابکی استارتاپ‌ها تناقض دارد و مشکلاتی برای این دسته از شرکت‌ها ایجاد می‌کند [۳۴]

سانیال و مانن (۲۰۱۰) پژوهشی با عنوان "ساختار تامین مالی شرکت‌های نوپا: نقش دارایی‌ها، اطلاعات و ویژگی‌های کارآفرینانه " را انجام دادند. آنها در مطالعه خود متوجه شدند که استارتاپ‌هایی که دارای دارایی فیزیکی بیشتر اهستند با احتمال بیشتری از بدهی خارجی استفاده می‌کنند اما اگر دارایی شرکت به صورت معنوی و نیروی انسانی باشد، احتمال استفاده از بدهی پایین است. این موضوع به نوعی مطابق با چالش فقدان وثیقه و ضمانت توسط استارتاپ‌ها برای اخذ وام منطبق است[۳۵].

پندر (۲۰۰۸) در پژوهشی که در زمینه مشکلات سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بر روی نوآوری انجام دادند، موانع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در نوآوری را به دو دسته کلی تقسیم کرده است: اول، موانعی که به کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری (هم برای کارآفرین و هم برای سرمایه‌گذاران) منجر می‌شوند و دوم، موانعی که ارتباط بین سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر را چالش برانگیز می‌کند. دسته دوم حالتی است که طرح سرمایه‌گذاری جذابیت و سودآوری دارد، اما دو طرف سرمایه‌گذاری در همکاری با هم مشکلاتی دارند. وی همچنین ضعف حقوق مالکیت فکری را به عنوان یکی از مهمترین دلایل کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری بر روی نوآوری معرفی کرد. در واقع با

توجه به اینکه سرمایه‌گذاری بر روی نوآوری منجر به دستیابی به دانشی می‌شود که محافظت از آن در برابر استفاده رایگان دیگران، هزینه‌بردار است[۲۷]

در مطالعه‌ای دیگر که توسط متوسلی و همکاران (۱۳۹۶) انجام شده است، مهمترین دلایل کاهش انگیزه سرمایه‌گذارن برای سرمایه‌گذاری‌خطرپذیر در محیط کسب‌وکار ایران بررسی شده است. از جمله مهمترین دلایل این کاهش انگیزه می‌توان به مواردی مانند:جذابیت سرمایه‌گذاری در دارایی‌های مشهود (ناکارآمدی نظام مالیاتی، ناکارآمدی نهادهای تامین مالی، ناکارآمدی نهادهای حقوقی و قضایی، ناکارآمدی مقررات کار و جذابیت فعالیت‌های غیرشفاف، غیررسمی و رانتی (ناکارآمدی زیرساخت‌های اطلاعاتی و نهادهای افشای اطلاعات، ناکارآمدی نظام تامین مالی، ناکارآمدی نظام مالیاتی، نهاد سیاسی، ناکارآمدی در سیاست‌های تجاری و گمرکی)، جذابیت فعالیت‌های کوتاه‌مدت سوداگرانه (بی‌ثباتی سیاسی-اقتصادی، نااطمینانی در بازار، فرهنگ سوداگری، ضعف نهادهای تضمین)، جذابیت سرمایه‌گذاری در طرح‌های بزرگ، جذابیت سرمایه‌گذاری در سپرده‌های بانکی اشاره کرد[۲۱]. در واقع مهمترین دلیل کاهش انگیزه، به جذابیت بالای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های جایگزین است که بخش اعظم آن هم به ناکارآمدی دولت در فراهم کردن زیرساخت‌ها و شرایط مناسب برای سرمایه‌گذاری است.

کریمی و بوذرجمهری (۱۳۹۲)، در پژوهشی به تحلیل موانع تامین مالی برای شرکت‌های کوچک و متوسط پرداختند. در این پژوهش با استفاده از روش ترکیبی (کیفی-کمی)، موانع تامین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط شناسایی شدند در این میان براساس موانع پنج دسته الگوی ذهنی شناسایی شدند که عبارتند از: فراهم نبودن شرایط بازار رقابتی بین شرکت‌ها، ارایه نشدن آموزش‌های لازم در زمینه کارآفرینی و کسب و کار، نداشتن وثیقه لازم برای دریافت تسهیلات بانکی، محدودیت‌های موجود در زمینه جذب سرمایه‌های خارجی و حمایت ناکافی دولت از شرکت‌های کوچک و متوسط به عنوان مهم ترین موانع تامین مالی شناخته شدند[۲۰]

۱-۳ روش تحقیق:

از نظر فیلک (۲۰۰۹) در شرایطی که: ۱). اگر شناسایی و ایزوله کردن متغیرها ممکن نباشد، ۲). اگر فاصله گرفتن از پدیده مورد بررسی و زمینه آن امکان پذیر نباشد، ۳). اگر نتوان حجم نمونه مناسب گیر آورد، ۴). اگر پشتیبان تئوریک اندکی وجود داشته باشد در مورد پدیده مورد بررسی. چرا که امکان توسعه سوال و فرضیه و تعاریف عملیاتی وجود ندارد، استفاده از رویکرد کیفی برای پژوهش توصیه می‌شود.

از این رو راهبرد اصلی در این تحقیق با توجه به مسئله تحقیق و پیشینه ادبیات آن باید مبتنی بر روش کیفی قرار گیرد چون اولا موضوع در کشور سابقه طولانی ندارد و از لحاظ نظری نیز تئوری‌ها متغیرهای قابل اندازه‌گیری مناسب و ارتباط بین آنها را به خوبی توسعه نداده‌اند. در کشور نیز آمارهای مرتبط با تامین مالی بنگاه‌ها و نهادهای مالی به طور مناسبی برای موضوع تحقیق جمع‌آوری نمی‌شود. در این میان از استراتژی نظریه پردازی داده بنیاد استفاده گردیده است تا براساس داده‌های استقرائی یک طرح نظری مناسب استخراج گردد. استراتژی نظریه‌پردازی

داده‌بنیاد برای نخستین بار توسط بار گلاسر و استراوس (۱۹۶۷) در کتاب کشف نظریه مفهوم سازی بنیادی مطرح شد. هدف اصلی این استراتژی از تجزیه و تحلیل داده‌ها استخراج مفاهیم و روابط بین آن‌ها است و محقق با شناسائی اجزاء نظریه به شکل دهی آن می پردازد (دانائی فرد، ۱۳۸۳).

استراتژی نظریه‌پردازی داده بنیاد دارای سه رکن اصلی: مفاهیم، مقوله ها و قضیه ها است. ابتدا نکات کلیدی داده‌ها احصاء و برای هر نکته یک کد معین می‌شود. سپس با مقایسه کدها و با توجه به ماهیت کدها، چند کد که اشاره به جنبه مشترک پدیده دارند عنوان مفهوم به خود می‌گیرند (گلاسر، ۱۹۹۲). دومین عنصر مقوله‌ها است. کاربین و استراوس (۱۹۹۴) آن را چنین تعریف می‌کنند: مقوله ها نسبت به آنچه مفاهیم نشان می‌دهند، تجریدی‌تر در سطح بالاتری قرار دارند، یعنی از ترکیب و کنار هم قرار گرفتن چند مفهوم یک مقوله یا طبقه تشکیل می‌شود. مقوله‌ها شالوده‌های تدوین نظریه هستند و ابزاری را فراهم می‌کنند که به وسیله آن نظریه انسجام می‌یابد. سومین عنصر بنیادی، قضیه‌ها هستند که بیانگر روابط تعمیم یافته بین مقوله و مفاهیم آن و بین مقوله‌های معین است.

در گام اول، براساس مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی منابع داخلی و خارجی مرتبط به موضوع تامین مالی نوآوری، مفاهیم، تئوری‌ها و برخی از چالش‌های تامین مالی نوآوری استخراج شدند. در ادامه به منظور استخراج چالش‌های تامین مالی ایده‌های نوآورانه و بررسی مسائل از ذینفعان مختلف، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با افراد آگاه با این حوزه انجام شد. برای انتخاب مصاحبه‌شوندگان از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی استفاده گردید. با توجه به اینکه سه ذینفع اصلی در این حوزه شامل سیاستگذاران، صاحبان ایده و سرمایه‌گذاران بود بنابراین سعی گردید که در شناسایی افراد مصاحبه‌شونده به این موضوع توجه شود و از نظرات ذینفعان مختلف استفاده شود. در مجموع تعداد ۱۱ مصاحبه با ذینفعان مختف انجام شد که شامل ۳ نفر نوآور و صاحب ایده، ۴ نفر سیاستگذار و همچنین ۴ نفر سرمایه‌گذار انجام شد. در نهایت با توجه به اینکه در طی این ۱۱ مصاحبه اجماع نظری حاصل شد (جدول ۱) و نکته جدیدی به چالش‌های اضافه نگردید، بنابراین مصاحبه‌ها خاتمه یافتند.

جدول ۱: اطلاعات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	سمت مصاحبه شونده	کد مصاحبه‌شونده
۱	مدیر دفتر ارتباط صنعت و دانشگاه	Intw 01
۲	کارآفرین و صاحب ایده	Intw 02
۳	معاون دفتر ارزیابی پژوهش و فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	Intw 03
۴	کارشناس بانک مرکزی	Intw 04
۵	مدیر صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر	Intw 05
۶	رئیس پارک علم و فناوری	Intw 06
۷	کارآفرین و صاحب ایده	Intw 07
۸	مدیر صندوق سرمایه‌گذاری	Intw 08
۹	کارآفرین و صاحب ایده	Intw 09
۱۰	کارشناس صندوق سرمایه‌گذاری	Intw 10
۱۱	مدیر نهاد سیاستگذار	Intw 11

پس از انجام مصاحبه‌ها، بلافاصله متن آن‌ها مستند شد و فرآیند کدگذاری بر روی آن‌ها انجام شد. به منظور تحلیل داده‌ها در استراتژی نظریه‌پردازی داده بنیاد از روش کدگذاری سه‌مرحله‌ای شامل استفاده شده است که عبارتند از[۳۶]:

۱- کدگذاری باز: نامگذاری مفاهیمی که بیانگر رویدادهای قطعی و دیگر نمونه‌های پدیده‌ها هستند.
۲- کدگذاری محوری: رویه‌هایی که از طریق آن‌ها، داده‌ها در فرآیندی مستمر با یکدیگر مقایسه می‌شوند تا سرانجام پیوندی باز از کدگذاری مقوله‌ها مشخص شود.
۳- کدگذاری انتخابی: به فرآیند انتخاب مقوله محوری، پیوند نظام‌مند آن با دیگر مقوله‌ها، ارزش‌گذاری روابط آن‌ها و درج مقوله‌هایی که نیاز به تایید و توسعه بیشتری دارند اشاره می‌کند.

به منظور افزایش اعتبار نتایج پژوهش در درجه اول سعی گردید با نماینده ذینفعان مختلف مصاحبه شود و ثانیاً افراد آگاه و متخصص در حوزه پژوهش برای مصاحبه انتخاب شدند. علاوه بر این سه مورد از مصاحبه‌ها توسط دو نفر از محققان کدگذاری شده و سپس با استفاده نرم افزار SPSS ضریب توافق (ضریب کاپا) بین کدهای استخراج شده توسط آن‌ها محاسبه گردید. نتایج حاصل از محاسبه آزمون کاپا در جدول ۲، ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود ضریب کاپا برابر ۰,۷۵۲ که بیانگر توافق نسبتاً مناسبی است [۳۷] و علاوه بر این سطح معناداری کمتر از ۰,۰۵ نیز بیانگر ارتباط بین کدگذاری‌های صورت گرفته بر روی سند منتخب است.

جدول ۲: **آزمون مقایسه کدگذاری‌های محقق و یک متخصص بر روی سه مصاحبه**

	مقدار	انحراف معیار برآوردی	تخمین T	سطح معناداری
درجه توافق کاپا	۰,۷۵۲	۰,۱۰۵	۶,۰۷	۰

۲ تجزیه و تحلیل داده‌ها:

با توجه رویکرد استراوس و کوربین در اجرای استراتژی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، از رویکرد سه مرحله‌ای کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده گردید و مدل نهایی تامین مالی ایده‌های نوآورانه ارائه شده است(شکل ۱). در ادامه توضیحات لازم در مورد اجزا مدل به همراه بخشی از نقل‌قول‌های مصاحبه‌شوندگان در مورد هر یک از اجزا ارائه شده است.

مقوله	کد	نقل قول
عوامل علی	کالای عمومی	یکی دیگر از چالش‌ها عدم وجود زمینه‌های قانونی برای حمایت از صاحبان ایده در برابر سرقت، افشا و کپی‌برداری ایده‌شان وجود ندارد. (Intw 02)
	عدم تقارن اطلاعات	مساله دیگری که در بحث تامین مالی وجود دارد موضوع اطلاعات است، که باید بین صاحب ایده و سرمایه گذاری متقارن و شفاف باشد(Intw 04)
	ریسک بالای نوآوری	حالا این ایده‌ها یکسری ویژگی‌هایی دارند ریسک بالایی دارند(Intw 02)

	سرمایه‌گذاری در دارائی‌های نامشهود	ایده‌ای که محصولش دارایی نامشهود باشد نه لیز (لیزینگ) می شود و نه تسهیلات به آن تعلق می‌گیرد چون شما هیچ چیز ندارید(Intw 04)
	عدم شکل‌گیری بازار دارائی‌های نامشهود	در انتها مسیر بلوغ نیز نهادهای بانکی هستند که فقط وثیقه و ضمانت را می‌فهمند (Intw 02)
مقوله محوری	فقدان پول هوشمند	مشکل منابع مالی نیست. این افراد بیشتر مشکل‌شان اسمارت مانی (Smart Money) است. در حالی که اسمارت مانی پیشران توسعه ایده است (Intw 02).
	فقدان پول صبور	پول را هزینه می‌کرد که سال بعد مثلا اینقدر بنگاه زودبازده شکل بگیرد که این را پول بی‌حوصله یا پول بی‌برنامه می‌گویند(Intw 02)
راهبردها	توانمندسازی صاحبان ایده	ولی این آدم را باید برای این کار توانمند کنیم و این توانمندی هم باید هدایت شده باشد(Intw 02)
	نهادهای مالی تخصصی ایده‌های نوآورانه در بخش مشخص (منبع مالی همراه با منتورینگ)	در خارج از کشور اسمارت مانی یعنی دانش (هدایت ایده‌های نوآورانه) همراه با پول و این قضیه در سراسر دنیا یک روند است و در حوزه‌هایی که ابتدایی‌تر است این مساله خیلی جدی‌تر می‌شود(Intw 02)
	تعیین برنامه کلان پیشرفت و اولویت‌های کشور	اصولا در دنیا ایده پردازی کانالیزه شده در راستای حل مسائل و مشکلات است ولی در ایران باتوجه به اینکه از یک طرف برنامه کلان توسعه و اولویتهای مشخصی نداریم و از طرف دیگر منابع در اختیار دولت قرار دارد، بنابراین افراد برای دستیابی به منابع، ایده‌هایی را مطرح میکنند که هیچ گونه ارتباطی با مسائل واقعی کشور ندارند. (Intw 05)
	شفاف‌سازی اطلاعات	بانک مرکزی در پی آن است که با اخذ اطلاعات از سازمان‌های مختلف مثل اداره راهنمایی و رانندگی، اداره مالیات و... بانک اطلاعاتی جامعی را برای روشن کردن فضای اطلاعاتی فراهم کند و در این راستا از برخی شرکت‌های اعتبارسنجی هم استفاده کند. از این طریق هم منابع مالی در اختیار افراد فاقدصلاحیت قرار نمی‌گیرد و از طرف از اختصاص بیش از حد منابع به یک یا چند نفر جلوگیری می‌شود. (Intw 04)
پیامدها	توسعه ایده‌های کاربردی	شما اگر قصد فروش یک اسب وحشی را داشته باشید، مشتری زیادی ندارد اما اگر بعد از اینکه اسب را رام کردید و آنر زین کنید و قصد فروش آن را داشته باشید، افراد زیادی تمایل به خرید اسب شما خواهند داشت در مورد ایده‌ها هم این حکایت وجود دارد (Intw 02)
	اثربخشی ایده‌های نوآورانه	با مشارکت بخش خصوصی و سیاستگذاری و حمایت دولت باید نهادهای مالی تخصصی موضوعی در بخشهای مختلف شکل گیرد تا این نهادها بتوانند خدمات مالی لازم برای اثربخشی ایده‌های نوآورانه را به دست آورند. (Intw 11)
شرایط زمینه‌ای	دولتی بودن اکثر منابع مالی	یکی از آفت‌های فعالیت‌های سرمایه‌گذاری دولتی مانند معاونت علمی و... این است که نگاه سرمایه‌گذاری را به نگاه یک پروژه تحقیقاتی تبدیل کردند(Intw 02)

	بهینه نبودن توزیع منابع	دولت هم اولویت‌های مهمتر از ایده مانند مسکن را دارد که اگر منابع مالی اضافی داشته باشد قطعا به بخش اولویت‌داری مانند مسکن اختصاص می‌دهد(Intw 04)
	عدم ارتباط ایده‌ها با مشکلات کشور	طرح را در راستای نیازهای بازار هدایت کند و بیشتر این طرح‌های نتیجه دغدغه‌های شخصی یک استاد بوده است (Intw 01) درنهایت محصولی ساخته می‌شد که مورد نیاز بازار نبود و اقتصادی شکل نمی‌گرفت(Intw 02)
	فضای رانتی	متاسفانه اکثر روش‌ها تامین مالی در کشور وابسته به منابع دولتی هستند و حضور بخش خصوصی در این عرصه اولا بسیار ضعیف است و ثانیا بیشتر با هدف برندسازی حضور دارند. (Intw 07)
	فقدان نظام مالی برای ایده‌ها	در وضعیت فعلی در کشور دو بازار پول و بازارسهام داریم. در بازار سهام تامین مالی از طریق واگذاری مالکیت صورت میگیرد و یعنی شرکت سهام خودش را در بازار بورس عرضه میکند و از طریق سهم‌دهی در مالکیت، منابع مالی خودش را تامین میکند که معمولا در دنیا این روش برای تامین مالی ایدهها کاربرد ندارد. (Intw 06)
	عدم آشنایی مسئولان پارک‌ها با نحوه تامین مالی	چالش اصلی ما عدم آشنایی و آگاهی مدیران و کارشناسان پارک‌ها و مراکز رشد با موضعات تخصصی مرتبط (مثل بحث تامین مالی) است(Intw 03).
	فقدان سیاست‌های مربوط به شفافیت اطلاعات	در زمینه توزیع اطلاعات و مساله گژگزینی سیاستهای خاصی برای شفافیت اطلاعات وجود ندارد (Intw 03)
	نگاه عرضه‌محور	سیاستگذارن علمی بیشتر بدنبال سیاستهای عرضه‌محور هستند و اعتقاد دارند که باید طرف عرضه را تقویت کرد تا ایده‌های کاربردی ارائه نمایند، بعد از آن طرف تقاضا اگر توانایی و ظرفیت کاربرد ایده‌ها را داشته باشد، خودبخود بدنبال تامین مالی ایده‌ها متناسب با حوزه فعالیتش می‌رود. (Intw 03)
	عمر کوتاه مدیریتی	. مساله دیگر هم دوره کوتاه مدت مدیرعاملی (فرد دولتی) و بحث پاداش و مزایای خودش است(Intw 02)
	عدم حضور نهادهای تخصصی مربوط تامین ایده	بزرگترین مساله همان اولین حلقه است که همه دنبال طرح خوب هستند (Intw 01) این مشکل هم به ماهیت ذاتا ریسک گریز نهادهای مالی برمی‌گردد که با همان ادبیات بانکی وارد این حوزه شده‌اند(Intw 01)
شرایط مداخله‌گر	وجود رانت در منابع نهادهای مالی دولتی	دسترسی به منابع مالی برای صاحبان ایده دانشگاهی راحت است و تنها مشکل بحث در مورد میزان و کیفیت کمک‌ها دریافتی است اما در مورد افراد غیردانشگاهی دسترسی به منابع مالی خیلی سخت است. (Intw 11)
	ناقص بودن فرآیند اطلاع‌رسانی از منابع وصل به بودجه دولتی	آئین‌نامه و دستورالعمل‌های مربوط به کمک‌ها و حمایت‌ها توسط افراد دانشگاهی تدوین می‌شود و این افراد مواد را متناسب با شرایط دانشگاهی تدوین می‌کنند، به‌عنوان مثال یکی از شرایط کمک را عضو هیئت علمی

		بودن صاحب ایده در حوزه موردنظر عنوان می‌کنند. به‌همین خاطر است که افراد غیردانشگاهی در زمینه تامین مالی ایده‌هایشان مشکلات فراوانی دارند. (Intw 07)
	نقص فرآیند غربالگری به علت ضعف تخصص در نهادهای مالی دولتی	به‌نظر می‌رسد یکی از دلایل کیفیت و کمیت پایین تعداد ایده‌ها در کشور ناشی از نبود نهادهای تامین مالی مربوط به ایده‌ها است. (Intw 01)
	ناقص بودن بازارهای مالی کشور	جایی بازاری تحت عنوان بازار بدهی در کشور خالی است(Intw 04) اصلا بخشی از بازار سرمایه، بازار بدهی است که در ایران بازار بدهی ما ضعیف است(Intw 04)
	عدم تخصیص منابع به دارایی نامشهود	صاحب ایده معمولا نه وثیقه‌ای دارد و در سیستم بانکی هم اعتباری ندارد(Intw 04)
	عدم مشارکت بیمه‌ها در تامین مالی	یکی از بخش‌هایی که می‌تواند نقش مهمی در بازار بدهی ایفا کنند شرکتهای بیمه هستند(Intw 04) بخشی از منابع مالی بازار پول در دسته تسهیلات سبز است و به بنگاه‌هایی اختصاص یافته است که در حال حاضر مشغول فعالیت هستند، بنابراین نمی‌توان تسهیلات را برای این بنگاه‌های تمدید نکرد(Intw 04)
	وجودتسهیلات سبز	بخشی از منابع مالی بازار پول در دسته تسهیلات سبز است و به بنگاه‌هایی اختصاص یافته است که در حال حاضر مشغول فعالیت هستند، بنابراین نمی‌توان تسهیلات را برای این بنگاه‌های تمدید نکرد(Intw 04)
	تضاد در نگرش سرمایه‌گذار و نوآور	یک تناقض در این حوزه وجود دارد، از یک طرف سرمایه‌گذاران برای ورود در یک حوزه به دنبال یک ایده خوب شسته و رفته و یک پکیج با دانش کامل و نهایی شده هستند و از طرف دیگر صاحبان ایده برای اینکه به دانش کامل دست پیدا کنند باید وارد حوزه مورد نظر شوند و هزینه‌هایی را انجام بدهند (Intw 01)
	نبود دانش و فرهنگ کارآفرینی	جنس افراد فعال در نهادهای مالی خارجی و فرهنگ حاکم بر آنها ریسک‌پذیر است و تمایل به سرمایه‌گذاری روی ایده‌ها را دارند در صورتی که در ایران شرایط برعکس است. (Intw 09)
	دید هزینه‌ای نسبت به تخصیص منابع به نوآوری	از دیگر مشکلات موجود در کشور این است که معمولا مسئولان دید هزینهای نسبت به تخصیص منابع به توسعه ایده‌ها دارند و از این رو در درجه اول تمایلی به تخصیص منابع مالی به این حوزه ندارد و درثانی در معدود مواردی هم که منابعی را اختصاص می‌دهند بخاطر همان نگاه هزینه‌ای که دارند توجه خاصی به نظارت بر این فعالیت‌ها و بکارگیری نتایج حاصل از آنها ندارند. (Intw 02)
	هدفمند نبودن حمایت‌ها	مشکلی که وجود دارد این است که امکان دارد در مکانیزم‌های دولتی منابع به ایده‌هایی اختصاص یابد که واقعا ظرفیت و قابلیت برآوردن نیازهای جامعه را ندارند و یا ممکن است هیچ وقت منجر به کسب‌وکار بزرگی نمی شوند. (Intw 10)

	کمبود افراد توانمند در زمینه توسعه و تجاری‌سازی ایده	مساله همین وجود افراد توانمند هست(Intw 02) اما آدم‌های توانمندی و با انگیزه در کشور کم داریم(Intw 02)

۲-۱ شرایط علی

عوامل علی حاصل شرایط علی یا شرایط مقدم است و رویدادهایی را در بر می‌گیرد که به وقوع یا گسترش پدیده‌ای می‌انجامند[۳۸]. در این راستا با توجه به تحلیل مصاحبه‌ها عوامل ذیل ۵ دسته قرار گرفتند که عبارتند از: کالای عمومی، عدم تقارن اطلاعات، ریسک بالای نوآوری، سرمایه‌گذاری در دارائی‌های نامشهود، عدم شکل‌گیری بازار دارائی‌های مشهود.

عدم تقارن اطلاعات یکی از مهمترین دلایلی عملکرد ضعیف نظام تامین مالی ایده‌های نوآورانه است. البته با توجه به ضعف زیرساخت‌های اطلاعاتی شدت این چالش در فضای کسب و کار ایران بیشتر است. عدم تقارن اطلاعات و پیامدهای ناشی از آن مانند کژگزینی و کژمنشی باعث شده‌اند که از یک طرف سرمایه‌گذاران همواره به خاطر ریسک سرمایه‌گذاری روی ایده‌ای که پتانسیل موفقیت را ندارد، حساسیت بالایی نسبت به سرمایه‌گذاری بر روی ایده‌های نوآورانه داشته باشند. البته باید توجه داشت با توجه به اینکه دستیابی به اطلاعات کامل در مورد ایده‌های نوآورانه نسبت به دیگر حوزه‌های تامین مالی سخت‌تر است، بنابراین انگیزه سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در این حوزه پایین‌تر است. از طرف دیگر صاحبان ایده نیز از ترس از دست رفتن ایده و دارایی فکری خود به راحتی حاضر به پذیرش پیشنهاد هر سرمایه‌گذاری نیستند. به نوعی می‌توان گفت عدم تقارن اطلاعات مشکلات متعددی را برای هر دو طرف ایجاد خواهد کرد.

توسعه فناوری و خلق نوآوری ذاتاً با ریسک همراه است و شدت این ریسک در مورد ایده‌های نوآورانه که فاقد دورنمای مشخص در مورد آینده است با ریسک بالاتری همراه است. در این میان با توجه به ریسک‌گریزی سرمایه‌گذاران داخلی، انگیزه آن‌ها بر روی ایده‌های نوآورانه پایین‌تر از دیگر حوزه‌ها است.

۲-۲ مقوله‌محوری

مقوله‌ای محوری است که همواره در داده‌ها ظاهر می‌شود و تمامی مقوله‌های دیگر به آن مربوط می‌شوند[۳۸]. به نوعی می‌توان گفت که مقوله محوری، صورت ذهنی از پدیده‌ای است که اساس فرآیند است؛ بنابراین در پژوهش حاضر بر اساس تحلیل مصاحبه‌و فرآیند کدگذاری باز و محوری داده‌ها، "فقدان منابع مالی هوشمند و صبور" به عنوان مقوله محوری انتخاب شد.

برخلاف تصور عموم که کمبود منابع مالی را به عنوان یکی از چالش‌های تامین مالی ایده‌های نوآوانه مطرح می‌کنند، مصاحبه‌شوندگان معتقدند که مسئله اصلی این است که بازده سرمایه‌گذاری بر روی ایده‌های نوآورانه در زمان مورد انتظار سرمایه‌گذاران اتفاق نمی‌افتد و مدت زمان بیشتری لازم است که بتوان ایده‌ها را به محصولات و خدمات قابل ارائه به بازار تبدیل کرد.

از طرف دیگر، باید توجه داشت که تجاری‌سازی ایده‌های نوآورانه علاوه بر مباحث فنی، مستلزم در اختیار داشتن مهارت‌های کسب و کار مانند مهارت‌های مدیریت کسب‌وکار، مباحث حقوقی، توانمندی مذاکره، بازاریابی، توسعه و بازار و ... است. بنابراین می‌توان گفت که صاحبان ایده برای موفقیت ایده‌های نوآورانه خود علاوه بر منابع مالی، نیازمند هوشمندی کسب‌وکارنیز هستندکه این هوشمندی معمولاً به واسطه حمایت‌ها و راهنمایی‌های سرمایه‌گذاران به صاحبان ایده منتقل می‌شود. با این حال براساس شواهد می‌توان گفت که این هوشمندی تقریباً در بین صاحبان منابع مالی دولتی وجود ندارد. از طرف دیگر نیز صاحبان منابع مالی خصوصی نیز ظرفیت خود را به صورت کامل به کسب‌وکارهای خود اختصاص دادند و فرصتی برای ارائه خدمات به صاحبان ایده‌های بیرون از مجموعه خود را ندارند. در همین راستا یکی از مصاحبه‌شوندگان عنوان کرد

"این افراد بیشتر مشکل‌شان پول هوشمند است و خود پول تنها مشکل این افراد نیست. برای تیم‌هایی که ایده‌هایشان را توسعه می‌دهند مساله آموزش و ارتقای توانمندی کارآفرینی در داخل تیم‌ها است".

در مجموع می‌توان گفت که مهمترین چالش تامین مالی ایده‌های نوآورانه در کشور فقدا منابع مالی هوشمند و صبور است.

۲-۳ شرایط مداخله‌گر

منظور از شرایط مداخله‌گر، شرایطی هستند که تحت کنترل عوامل درونی است. این شرایط، تاثیرگذاری عوامل علی و زمینه‌ای را در فرآیند تامین مالی ایده‌های نوآوری را تحت تاثیر قرار می‌دهد. با توجه به تحلیل مصاحبه‌ها شرایط مداخله‌گر ذیل ۱۲ دسته قرار گرفتند که عبارتند از: وجود رانت در منابع نهادهای دولتی، ناقص بودن فرآیند اطلاع‌رسانی استفاده از منابع وصل به بودجه دولتی، نقص فرآیند غربالگری به علت ضعف تخصص در نهادهای مالی دولتی، ناقص بودن بازارهای مالی کشور، عدم تخصص منابع به دارایی‌های نامشهود، عدم مشارکت بیمه‌ها در تامین مالی و وجود تسهیلات سبز، تضاد در نگرش سرمایه‌گذار و نوآوری، نبود دانش و فرهنگ کارآفرینی، دید هزینه‌ای نسبت به تخصیص منابع به نوآوری، هدفمند نبودن حمایت‌ها، کمبود افراد توانمند در زمینه توسعه و تجاری‌سازی ایده، هدفمند نبودن حمایت‌ها.در این راستا در ادامه برخی از موارد فوق به صورت مختصر توضیح داده شده‌اند.

با توجه به جدید بودن ایده‌های نوآورانه و عدم اطمینان نسبت به موفقیت آن‌ها با ریسک بالایی همراه هستند، بنابراین تامین مالی آن‌ها هزینه بالاتری دارد. با این حال باید توجه داشت که بخش زیادی از هزینه‌های برای توسعه ایده‌های نوآورانه از جنس هزینه‌های مربوط به نیروی انسانی است که در صورت از دست دادن این نیروی انسانی، هزینه‌های صرف شده برای آن‌ها قابل بازیافت نیست. به بیان ساده، سرمایه‌گذاری در این مرحله برروی دارایی‌های نامشهود صورت می‌گیرد. این دارایی‌ها با توجه به ویژگی خاص خود دارای بازار مشخصی نیستند که در صورت شکست پروژه سرمایه‌گذاری بتوان از طریق فروش آن‌ها، بخشی از زیان ناشی از سرمایه‌گذاری را جبران کرد. همین ویژگی باعث شده است که سرمایه‌گذاران داخلی تمایلی به سرمایه‌گذاری بر روی دارایی‌های نامشهود نداشته باشند و به قول یکی از مصاحبه‌شوندگان منبعی برای تامین مالی این ایده‌های نوآورانه وجود نداشته باشد.

"ما دو نوع دارایی نامشهود داریم: ساخته شده و ساخته ناشده. دارایی مشهود ساخته شده یعنی اتفاق افتاده است مانند نرم‌افزار یعنی شما به محصول رسیدید اما در مرحله ایده هنوز اتفاق نیافتاده و محصولی وجود ندارد. بنابراین دارایی نامشهود که محصول نشده است (ایده) لیز(منظور لیزینگ) هم نمی‌شود. یعنی ایده‌ای که محصولش دارایی نامشهود باشد نه لیز (منظور لیزینگ) می شود و نه تسهیلات به آن تعلق می‌گیرد چون شما هیچ چیز ندارید".

یکی دیگر از مقوله‌های مربوط به شرایط مداخله‌گر "عدم مشارکت بیمه‌ها در تامین مالی و وجود تسهیلات سبز" است. به صورت کلی اگر بخواهیم یک تصویر از تامین‌کننده‌های منابع مالی در بازار ارائه بدهیم مواردی مانند: خانواده، دوستان و آشنایان، بازار پول و دولت به ذهن خطور می‌کند. با این حال یکی از منابع مهم تامین مالی بازار بدهی است که پس‌اندازها در این بخش قرار می‌گیرند. در این میان یکی از بخش‌هایی که می‌تواند نقش مهمی در بازار بدهی ایفا کند، شرکت‌های بیمه (بیمه عمر و پس‌انداز) هستند. با این حال این بازار در کشور وجود ندارد. در همین راستا یکی از مصاحبه‌شوندگان عنوان کرد که:

"یکی از بخش‌هایی که می‌تواند نقش مهمی در بازار بدهی ایفا کنند شرکتهای بیمه هستند البته نه شرکتهای بیمه‌ای که بیمه شخص ثالث ارائه می‌دهند، این شرکتهای بیمه عمر و پس‌انداز به مردم می‌دهند و پولی را که از مردم می‌گیرند وارد بازار بدهی (اوراق مشارکت و...) می‌کنند و ما در کشور این بازار را هم نداریم".

علاوه بر این بخشی از منابع مالی موجود در بازار پول کشور به صورت تسهیلات در اختیار بنگاه‌ها خصوصی قرار دارند و هر ساله تمدید می‌شوند که با عنوان تسهیلات سبز شناخته می‌شوند. یعنی همیشه سبز و زنده است و مداوماً تمدید می‌شوند. بنابراین این بخش از منابع بازار پول را نمی‌توان به ایده‌های نوآورانه اختصاص دارد و صرفاً بخش محدودی از منابع بازار پول برای اختصاص به دیگر حوزه‌های باقی می‌ماند.

از دیگر موارد مربوط به شرایط مداخله‌گر می‌توان به" نقص فرآیند غربالگری به علت ضعف تخصص در نهادهای مالی دولتی " اشاره کرد. نهادهای مالی دولتی معمولاً دارای تخصص و توانمندی لازم برای ارزیابی ایده‌های نوآورانه و متعاقب آن تخصیص منابع مالی به آن‌ها را ندارد و برای این کار از افراد دانشگاهی استفاده می‌کنند که بعضاً فاقد تخصص در حوزه مورد نظر هستند. در این راستا یکی از مصاحبه‌شوندگان عنوان کرده است که:

"فرآیند غربالگری به‌شدت ایراد دارد، چون مساله را دقیق نمی‌شناسیم مثلا برای داوری یک ایده، از یک دانشگاهی و دکتر استفاده می‌کنند که ممکن است اصلا تخصص قضاوت در زمینه ایده موردبررسی را نداشته باشد. اصولا معیارهای تعیین داور و بررسی ایده اشتباه است".

یکی دیگر مقوله‌های ذیل شرایط مداخله‌گر مربوط به ناقص بودن بازارهای مالی است. در واقع ناقص بودن بازارهای مالی و همچنین عدم نهادسازی لازم مانند بانک‌های توسعه‌ای و تعاونی‌های اعتبار تخصصی، در بازار

تامین مالی کشور باعث شده است که اغلب نهادهای مالی با صاحبان ایده همانند مشتریان معمولی بانک‌ها برخورد کنند. به همین خاطر با وجود شرایط و ویژگی‌های متفاوت ایده‌های نوآورانه، صاحبان ایده مجبور هستند که به منظور تامین منابع مالی مورد نیاز خود، علاوه بر تامین وثیقه‌های سنگین، طرح خود را به نهادهای غیرتخصصی ثابت کنند.

از دیگر موارد می‌توان به نگاه هزینه‌ای مدیران نسبت به تامین مالی ایده‌های نوآورانه اشاره کرد. نگاه هزینه‌ای نسبت به تخصیص منابع مالی به توسعه ایده‌ها بعث شده است که نهادهای مالی در درجه اول تمایلی به اختصاص منابع مالی به این حوزه نداشته باشند. علاوه بر این در معدود مواردی هم که منابع محدودی را اختصاص می‌دهند، نظارت خاصی بر این فعالیت‌ها و به‌کارگیری نتایج آن‌ها نداشته باشند. کاملاً واضح است که تداوم این روند به مرور زمان باعث محدودیت هر چه بیشتر منابع مالی ایده‌های نوآورانه خواهد شد.

۲-٤ شرایط زمینه‌ای

منظور از شرایط زمینه‌ای عواملی است که تحت کنترل صاحبان ایده نیست اما بر روی تامین مالی ایده‌های نوآورانه صاحبان ایده، تاثیرگذار است. در پژوهش حاضر با توجه به تحلیل مصاحبه‌ها، شرایط زمینه‌ای ذیل ۱۱ دسته قرار گرفتند که عبارتند از: دولتی بودن بخش اعظم منابع مالی، بهینه نبودن توزیع منابع، عدم ارتباط ایده‌های نوآورانه با مشکلات کشور، حاکم بودن فضای رانتی، نبود برنامه‌ریزی کلان، نبود نگاه نظام مالی به ایده‌ها، عدم آشنایی مسئولان نهادهای حمایتی مانند پارک‌ها با نحوه تامین مالی، نبود سیاست‌های مربوط به شفافیت اطلاعات، نگاه عرضه‌محور، عمر کوتاه مدیریتی، عدم حضور نهادهای تخصصی مربوط به تامین مالی ایده‌های نوآورانه.

به صورت کلی در شرایط فعلی کشور، ایده‌های نوآورانه که مطرح می‌شود از ۳ حالت خارج نیستند. گروه اول ایده مربوط به شخصی است که به دانشگاه، موسسه پژوهشی یا سازمان دولتی وابسته است، که در این صورت منابع مالی از طریق سازمان موردنظر تامین می‌شود. گروه دوم، صاحبان ایده وابسته با دانشگاه یا موسسه پژوهشی نیستند اما ایده آن‌ها مربوط به حوزه‌های اولویت‌دار کشور است که در این موارد سازمان‌های دولتی متولی حوزه‌های اولویت‌دار، بخشی از منابع مالی مورد نیاز را تامین می‌کنند به عنوان نمونه اگر ایده‌ای در حوزه‌ای مانند فناوری نانو مطرح شود، ستاد ویژه توسعه فناوری نانو با استفاده از ابزارهای مختلف مانند گرنت و وام، بخشی از منابع مالی مورد نیاز برای توسعه ایده مورد نظر را تامین می‌کند. اما گروه سوم ایده‌هایی هستند که در دوحالت قبلی قرار نمی‌گیرند، یعنی هم صاحب ایده وابسته به دانشگاه‌ها و موسس‌های پژوهشی نیست و هم اینکه ایده موردنظر در حوزه‌های اولویت‌دار نیست. در چنین شرایطی با توجه به اینکه اغلب روش‌های تامین مالی ایده‌های نوآورانه وابسته به دولت هستند، بنابراین ایده‌های دسته سوم منابع مالی کافی برای ادامه فعالیت خود در اختیار ندارند.

علاوه بر این برخی از مسائل دیگر مانند فضای رانتی، فقدان برنامه‌ریزی کلان، عمر کوتاه مدیریتی در فضای کشور باعث شده‌اند که زمینه کافی برای توسعه پول صبور و هوشمند در کشور وجود نداشته باشد. به عنوان نمونه، همانطور که اشاره شد بخش اعظم منابع مالی کشور در اختیار نهادهای دولتی است که مدیریت آن‌ها به واسطه تحولات سیاسی کشور، ثبات لازم را ندارند. بنابراین اغلب مدیران دولتی با علم به دوره کوتاه مدت مدیریت خود سعی

دارند که در دوره کوتاه مدیریت خود، خروجی ملموس را داشته باشند. بنابراین این افراد انگیزه‌ای برای تخصیص منابع مالی به ایده‌های نوآورانه‌ای که در بازه‌های زمانی طولانی‌مدت منجر به نتیجه می‌شوند، ندارند. به بیان ساده عمر کوتاه مدیریتی یکی از دلایل فقدان پول صبور و هوشمند در کشور است. در همین راستا یکی از مصاحبه‌شوندگان عنوان کردند که

"مساله دیگر هم دوره کوتاه مدت مدیرعاملی (فرد دولتی) و بحث پاداش و مزایای خودش است که بدنبال نتیجه‌گرفتن در کوتاه مدت است"

۲-۵ مقوله راهبردی

راهبردها بیانگر رفتارها، فعالیت‌ها و تعاملات هدف‌داری هستند که در پاسخ به مقوله محوری و تحت تاثیر شرایط علی اتخاذ می‌شوند. از این رو با توجه به مصاحبه‌ها مهمترین راهبردها برای چالش‌ها تامین مالی ایده‌های نوآورانه ذیل چهار دسته قرار گرفتند که عبارتند از: توانمندسازی صاحبان ایده‌های نوآورانه، پول به همراه منتورینگ، شفاف‌سازی اطلاعات و تعیین برنامه کلان پیشرفت کشور. در ادامه توضیحات مختصر در مورد راهبردها ارائه شده است.

- **توانمندسازی صاحبان ایده‌های نوآورانه**

بیشتر افراد احساس می‌کند یکی از دلایل کمبود ایده‌های نوارانه ناشی از کمبود منابع مالی و پول است در حالی که در واقعیت در کشور کمبود منابع مالی نداریم. بلکه مشکل بیشتر افرادی که ایده‌ای دارند، عدم دسترسی به پول هوشمند است. منظور از پول هوشمند یعنی همراه با منابع مالی، آموزش‌هایی هم به صاحبان ایده داده شود. بحث پول هوشمند در دنیا خیلی مورد توجه است و بویژه در مراحل اولیه توسعه ایده اهمیت آن دوچندان است. چون معمولا صاحبان ایده افرادی هستند که اطلاعاتی را در مورد کسب و کار ندارند و بیشتر دانش تخصصی بالایی در حوزه کاری خودشان دارند. بنابراین باید علاوه بر منابع مالی، مربی‌هایی به صاحبان ایده اختصاص داده شود که به آنها آموزش‌های لازم (در زمینه مسائل حقوقی، بازاریابی،کارآفرینی، تهیه مدل کسب و کار و...) را ارائه کند و در مراحل مختلف آنها را راهنمایی و هدایت نماید. متاسفانه در حال حاضر در کشور، مربیان کافی برای راهنمایی و هدایت صاحبان ایده وجود ندارد. البته در حوزه آموزشهای عمومی و تحصیلات تکمیلی نیز باید به مباحث کارآفرینی و مهارتهای لازم آن توجه بیشتری شود. این مهارتها در دوره‌های مختلف باید آموزش داده شود تا هر چه بهتر در زمان کار افراد بتوانند از آن استفاده کنند.

- **نهادهای مالی تخصصی ایده‌های نوآورانه در بخشهای مشخص**

فضای سرمایه‌گذاری در ایده، فضایی پر از ریسک است بنابراین باید افرادی که در این حوزه درگیر هستند، ظرفیت ریسک‌پذیری بالایی داشته باشند. به‌همین خاطر در دنیا، معمولا نهادهای مالی مثل صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر، فرشتگان کسب و کار، شتابگرها و... تحت مدیریت افرادی هستند که خودشان قبلا سابقه کارآفرینی داشته‌اند و با فضای کارآفرینی آشنایی دارند. بنابراین ظرفیت پذیرش ریسک را دارند و سرمایه‌گذاری‌هایشان را بر همین اساس انجام می‌دهند. اما در داخل کشور معمولا مدیران سازمان‌ها و نهادهای متولی در این حوزه، تجربه

کارآفرینی ندارند و به همه مسائل دید مکانیکی دارند. یعنی این افراد اصلا اهل ریسک نیستند و تمایل به سرمایه‌گذاری روی ایده‌هایی که نتیجه‌شان مشخص نیست، ندارند.

با مشارکت بخش خصوصی و سیاستگذاری و حمایت دولت باید نهادهای مالی تخصصی موضوعی در بخش‌های مختلف شکل گیرد تا این نهادها بتوانند خدمات مالی لازم برای اثربخشی ایده‌های نوآورانه را به دست آورند. البته تجربیاتی در قالب صندوقهای غیردولتی پژوهش و فناوری را در برنامه های توسعه قرار داده بودیم اما به واسطه عدم تخصص در زمینه های بخشی و البته ضعف نظارتی و سیاستگذاری وزارت علوم کارکرد لازم را محقق نکرده اند. با استفاده از این تجربه باید نهادها بازمعماری شده و نهادهای جدید مانند شتابدهنده‌ها نیز حمایت شوند.

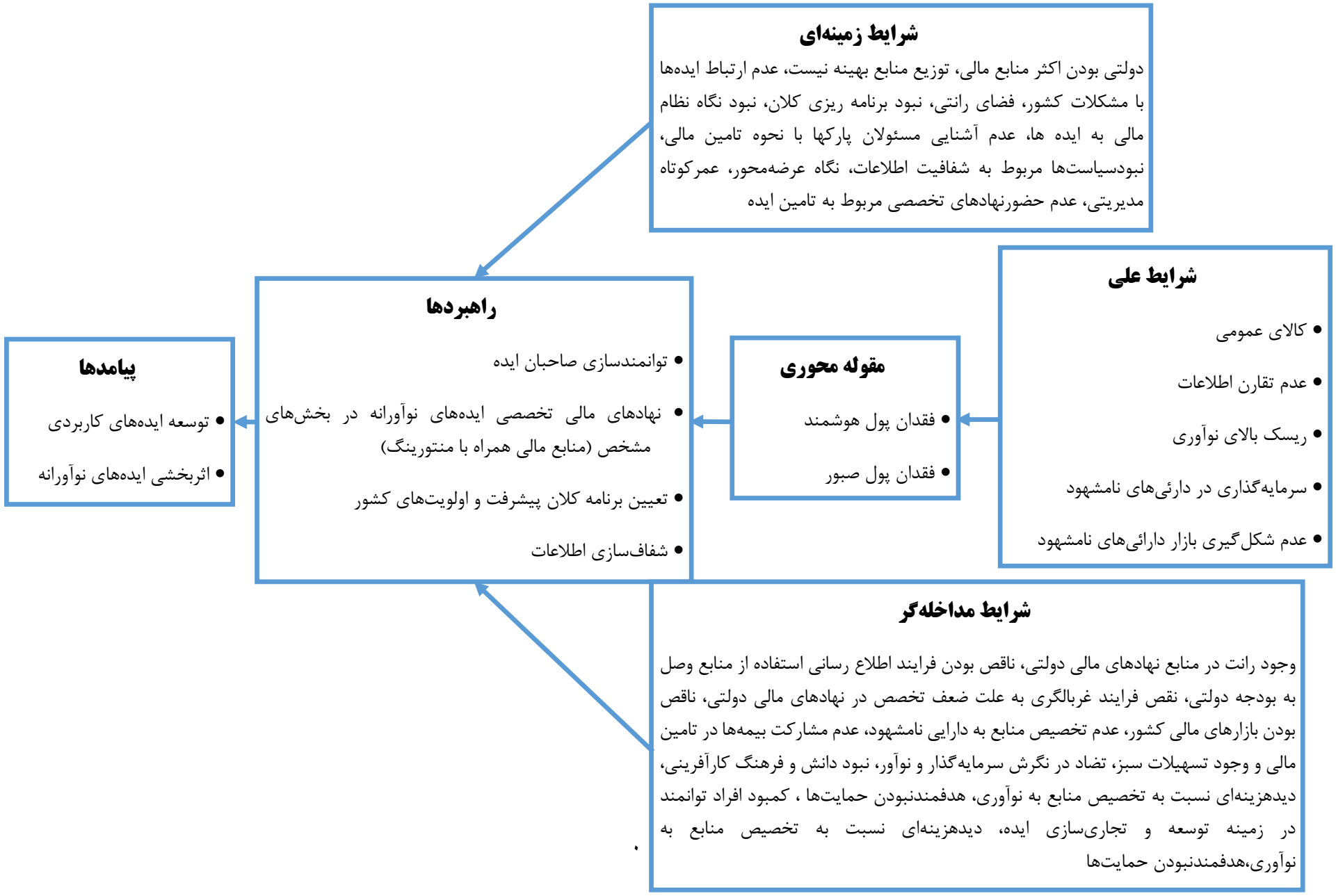
البته باید توجه داشت که در اینجا منظور حضور نهادهای تخصصی است که در درجه اول قادر به ارزیابی درست ایده‌های نوآورانه دارای پتانسیل باشد و از طرف دیگر، این نهادها در کنار منابع مالی، خدمات مشاوره و آموزش‌های لازم در زمینه توسعه ایده را به صاحبان ایده ارائه کنند. با این حال باید توجه داشت که این راهبرد به نوعی مکمل راهبرد اول است.

- **تعیین برنامه کلان پیشرفت و اولویت‌های کشور**

اصولا در دنیا ایده پردازی برنامه‌ریزی شده در راستای حل مسائل و مشکلات است ولی در ایران باتوجه به اینکه از یک طرف برنامه کلان توسعه و اولویت‌های مشخصی نداریم و از طرف دیگر منابع در اختیار دولت قرار دارد، بنابراین افراد برای دستیابی به منابع، ایده‌هایی را مطرح می‌کنند که هیچ گونه ارتباطی با مسائل واقعی کشور ندارند.تعیین اولویتهای کلان هر بخش و طرح آن در فضای عمومی و تخصصی باعث خواهد شد تا توجه افراد به حل این موضوعات جلب شده و توانمندیها و امکانات خود را در آن راستا به کار گیرند. اما در گذشته برنامه‌هایی همچون استراتژی صنعتی این اولویت‌ها را مشخص نکردند و حتی امروزه نیز برنامه های توسعه به این مهم توجهی ندارند. اگر این اولویت‌ها و برنامه‌ها مشخص نباشند افراد و متخصصین علایق شخص خود را دنبال می‌کنند و دستگاه‌ها و شرکت‌ها نیز نیازمندی‌های خود را از طریق شرکت‌های خارجی تامین خواهند کرد. در این صورت حتی تامین مالی این ایده ها در بلند مدت به بهره وری اقتصاد کمکی نخواهد کرد. در تعیین اولویت‌ها باید توجه داشت که در درجه اول، این اولویت‌ها با حضور و مشارکت ذینفعان مختلف تعیین شوند و ثانیاً، ضمانت اجرای قوی برای این توجه به این اولویت‌ها در نظر گرفته شود به عنوان مثال پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد موظف شوند که حمایت‌های خود را منوط به شرکت‌های فعال در حوزه‌های اولویت‌دار نمایند.

۲-۶ پیامدها

پیامدها خروجی‌های حاصل از به‌کارگیری راهبردها هستند. در مجموع با توجه به توضیحات ارائه شده و در صورت به کارگیری راهبردهای مطرح شده می‌توان انتظار داشت که در آینده ایده‌های کاربردی توسعه یابند و اثربخشی آ ایده‌های نوآورانه به صورت محسوس در بدنه اقتصاد کشور نمایان شود.



شکل ۱: و راهبردها و پیامدها ارائه

۲-۷ ۵- بحث و نتیجه گیری

بعد از بررسی منابع مختلف تامین مالی و روشهای مختلف ارائه آن به فعالیتهای اقتصادی در مورد تامین مالی ایده ها و چالشهای آن در ایران مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با بازیگران این حوزه گرفته شد و در قالب روش نظریه پردازی داده بنیاد نظام‌مند در قالب یک مقوله محوری و در نظر گرفتن شرایط علی، شرایط مداخله‌گر و زمینه‌ها نسبت به ارائه چارچوب سیاستی و یا راهبردها در این زمینه اقدامات لازم صورت گرفته است.

بررسی ادبیات نظری نشان می‌دهد که به طور مشخص در این زمینه مطالعات کافی برای توسعه نظریه‌های کاربردی در حوزه تامین مالی ایده های نوآورانه شکل نگرفته است. به طورمشخص تحقیقات نشان می دهد به واسطه مسائلی که در ادبیات اشاره شده است این ایده ها و طرحها با محدودیت تامین مالی روبرو هستند. بر این اساس منابع خاص تامین مالی و ابزارهای مرتبط جهت حل این مسائل از اهمیت بالایی برخوردار است. بر این اساس بررسی تجربه ایران نکات خاصی در این زمینه را گوشزد می کند.

علیرغم در نظر گرفتن منابع در نهادهای مختلف و بودجه کشور نتایج این تحقیق نشان می دهد فقدان پول صبور و هوشمند در مرحله ایده باعث عدم کارایی در این زمینه شده است. این مفهوم نشان دهنده تخصیص منابع مالی در کنار مشاوره های غیرمالی است. این موضوع بدون توجه به شرایط مداخله گر و زمینه ای غیرممکن است. فضای تامین مالی در بازارهای مختلف پول، سرمایه و تامین اطمینان در این راستا تنظیم نشده است. فضای رانتی امکان توسعه ایده های نوآورانه و بازده مناسب فعالیتهای مرتبط را فراهم نمی کند.

با توجه به ادبیات نظری و راهبردهایی که از مصابحه با خبرگان استخراج شده است د رنهایت به مواردی همچون توانمندسازی صاحبان ایده، نهادهای مالی تخصصی ایده‌های نوآورانه در بخش‌های مشخص (منابع مالی همراه با منتورینگ)، تعیین برنامه کلان پیشرفت و اولویت‌های کشور، شفاف‌سازی اطلاعات (به خصوص در زمینه مالی و اعتباری) اشاره شده است. نکته مهم در استخراج مباحثی که در تعامل با خبرگان مشخص شد در ابتدا نقش نهادهای مالی سیاستگذار در این زمینه است. در این فرایند کمتر پژوهشی به نقش بانک مرکزی در توسعه فعالیتهای نوآورانه اشاره داشته است. از طرف دیگر در کشور نقش شرکتهای بیمه ای در این زمینه مورد توجه قرار نگرفته بود که در این مقاله سعی شده است به این بعد نیز اشاره شود.

اما در این زمینه طراحی سیاستهای مرتبط و برنامه عملیاتی نیازمند تحقیقات و بررسیهای بیشتر می باشد. هر کدام از این موارد در نهایت باعث توسعه طرحهای نوآورانه برای حل مسائل کشور و توسعه آن خواهد بود. این تحقیق می تواند ملاحظات کشورهای در حال توسعه را برای تامین مالی ایده های نوآورانه توسعه دهد. بر این اساس تحقیقات تطبیقی با سایر کشورها نیز موثر خواهد بود.

منابع و مآخذ

1. مروت, ع.ع ,.et al., .ایده های نوآورانه و اندیشه های مجرمانه: مرز تأمین مالی جمعی و تأمین مالی تروریسم. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری, ۱۳۹۹. ۹.157-129 .p :(33)
2. Solow, R.M., *A contribution to the theory of economic growth.* The quarterly journal of economics, 1956. **70**(1): p. 65-94.
3. Arrow, K.J., *Economic welfare and the allocation of resources for invention*. 2015: Princeton University Press.
4. Mina, A., H. Lahr, and A. Hughes, *The demand and supply of external finance for innovative firms.* Industrial and Corporate Change, 2013. **22**(4): p. 869-901.
5. Manigart, S. and C. Struyf, *Financing high technology startups in Belgium: An explorative study.* Small Business Economics, 1997. **9**(2): p. 125-135.
6. ابوجعفری, ر.ا ,.et al., .تامین مالی نوآوری مبتنی بر نظریه تامین مالی مرحله ای: مطالعه موردی نظام مالی نوآوری در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی برنامه و بودجه, ۱۳۹۳. ۱۹.(4)
7. سلطانی, ب and .م. شاوردی, تأمین مالی علم، فناوری و نوآوری. فصلناه سیاست علم و فناوری, ۱۳۹۸. یازدهم.(2)
8. De Clercq, D., D.S. Lim, and C.H. Oh, *Individual–level resources and new business activity: The contingent role of institutional context.* Entrepreneurship Theory and Practice, 2013. **37**(2): p. 303-330.
9. Arbolino, R., et al., *Efficiency of the EU regulation on greenhouse gas emissions in Italy: The hierarchical cluster analysis approach.* Ecological Indicators, 2017. **81**: p. 115-123.
10. زیوری, ا., م.م. خیاره and ,م. رضا, تاثیر دسترسی به منابع مالی بر فعالیت‌های کارآفرینانه: مقایسه کشورهای منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه. فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی, ۱۳۹۸. ۱۲.561-580 .p :(4)
11. Roessler, M. and V.K. Velamuri. *Corporate incubation as a tool to foster business model innovation*. in *ISPIM Conference Proceedings*. 2015. The International Society for Professional Innovation Management (ISPIM).
12. Noelia, F.-L. and D.-C. Rosalia, *A dynamic analysis of the role of entrepreneurial ecosystems in reducing innovation obstacles for startups.* Journal of Business Venturing Insights, 2020. **14**: p. e00192.
13. Costa-Campi, M.T., N. Duch-Brown, and J. Garcia-Quevedo, *R&D drivers and obstacles to innovation in the energy industry.* Energy Economics, 2014. **46**: p. 20-30.
14. Audretsch, D., et al., *Innovative start-ups and policy initiatives.* Research Policy, 2020. **49**(10): p. 104027.
15. Schwab, K., *The Global Competitiveness Report 2019*. 2019, World Economic Forum (WEF): Geneva.
16. رضوی, م.م., م. مبارکی and ,ح. پاداش, الگوی رفتار مورد انتظار سرمایه گذاران از کارآفرینان نوپا در فرآیند سرمایه گذاری. فصلنامه توسعه کارآفرینی, ۱۳۹۸. ۱۲.441-460 .p :(3)
17. اتاق‌ایران, پایش ملی محیط کسب و کار ایران تابستان ۱۳۹۹, د. شانزدهم ,1399 .Editor ,مرکز پژوهش‌های اتاق ایران: مرکز آمار و اطلاعات اقتصادی و پایش اصل ۴۴: تهران.
18. Sabir, S., A. Rafique, and K. Abbas, *Institutions and FDI: evidence from developed and developing countries.* Financial Innovation, 2019. **5**(1): p. 1-20.
19. Dobbs, R., et al., *Iran: The $1 trillion growth opportunity.* McKinsey Global Institute, 2016.

20. کریمی, آ and .ش. بوذرجمهری, تحلیل موانع تامین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط. فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی, ۱۳۹۲. ۶.144-125 .p :(1)
21. متوسلی, م ,.et al .,موانع نهادی سرمایه گذاری خطرپذیر در ایران: مطالعه‌ای برای واکاوی انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های کوچک فناور. فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی, ۱۳۹۶. ۱۰ :(3) p. 477-496.
22. عزیزی, م and .م. ملایجردی, روش‌های تامین مالی کارآفرینی اجتماعی

تحقیقات مالی, ۱۳۹۶. ۱۹ :(1) p. 138-119.
23. Hall, B. and J. Lerner, *The financing of R&D and innovation*, in *Handbook of the Economics of Innovation*. 2010: North-Holland. p. 609-639.
24. Kaplan, S. and S. Per, *Financial Contracting Theory Meets the Real World: An Empirical Analysis of Venture Capital Contract.* The Review of Economic Studies, 2003. **70**(2): p. 281-315.
25. Alperovych, Y., A. Groh, and A. Quas, *Bridging the equity gap for young innovative companies: The design of effective government venture capital fund programs.* Research Policy, 2020. **49**(10): p. 104051.
26. Hall, B., *The financing of research and development.* Oxford review of economic policy, 2002. **18**(1): p. 35-51.
27. Peneder, M., *The problem of private under-investment in innovation: A policy mind map.* Technovation, 2008. **28**(8): p. 518-530.
28. بیدگلی, غ.ا and .م. بیگدلو, بررسی معیارهای موثر در ارزیابی کسب وکارهای مخاطره آمیز کار آفرینانه. فصلنامه دانش مدیریت, ۱۳۸۳. ۱۸.- .p :(1)
29. قاضی‌نوری, س., ج. صوفی and ,ن. ردائی, چارچوب انتخاب ابزارهای تأمین مالی بر اساس خوشه بندی شرکت های دانش بنیان. فصلنامه سیاست علم و فناوری, ۱۳۹۶. سال نهم.(2)
30. Bhaird, C.M.a., *Resourcing small and medium sized enterprises: A financial growth life cycle approach*. 2010: Springer Science & Business Media.
31. Andaleeb, U. and D. Singh, *A study of Financing Sources for Start-up Companies in India.* International Review of Business and Finance, 2016. **8**(1).
32. Carpentier, C. and J.-M. Suret, *Some evidence of the external financing costs of new technology-based firms in Canada.* Venture Capital, 2006. **8**(3): p. 227-252.
33. Pasumarti, S.S. and A. Patnaik, *Challenges in Obtaining Finance for SME Startups.* High Technology Letters, 2020. **26**(19).
34. Pasumarti, S.S. and A. Pattnaik, *Challenges in Attaining Bank Finance for Startups.* 2020.
35. Sanyal, P. and C.L. Mann, *The financial structure of startup firms: The role of assets, information, and entrepreneur characteristics*. 2010, Working Papers.
36. اخوان, پ and .م. نبی‌زاده, طراحی الگوی مدیریت دانش در سطح ملی با استفاده از روش تئوری داده‌بنیاد و مدلسازی تفسیری ساختاری. فصلنامه سیاست علم و فناوری, ۱۳۹۴. سال هفتم(شماره ۴).
37. Landis, J.R. and G.G. Koch, *The measurement of observer agreement for categorical data.* biometrics, 1977: p. 159-174.
38. Corbin, J.M. and A. Strauss, *Grounded theory research: Procedures, canons, and evaluative criteria.* Qualitative sociology, 1990. **13**(1): p. 3-21.

۳۹. حیدری سورشجانی، مهرناز و محمدی، پرستو، مسائل کارگزاری در سرمایه‌گذاری خطرپذیر و راهکارهای رفع آنها در مراحل مختلف رشد شرکت‌های نوآور در ایران، فصلنامه مدیریت نوآوری، ۱۳۹۶، سال ششم، شماره ۳

۴۰. ابوجعفری، روح اله، الهی، شعبان، پیغامی، عادل و یاوری، کاظم. چارچوب مفهومی تحلیل بینسیستمی هولونیک: مطالعه نظری رابطه نظام مالی و نظام نوآوری، فصلنامه مدیریت نوآوری، ۱۳۹۲، سال دوم، شماره ۳

Innovative ideas are important in economy as the main source of development of new goods and services. Due to the specific characteristics of innovative ideas, such as high risk, expert ambiguity, lack of tangible assets in the first stage, and asymmetry of information, financing these activities faces many issues and challenges. Therefore, this article systematically examines the challenges of financing innovative ideas in Iran and finally presents a policy framework to solve these challenges. For this purpose, by using theoretical literature and interviews with experts challenges and solutions are determined. based on grounded theory method. One of the most important results obtained is the lack of smart money in Iran, which was investigated to solve the challenge of financing ideas